

زنان در خم و پیچ رهروهای محاکم میدان وردک

نوروز رجا



همین دلیل بهتر است که قضایای خورد و ریز زنان از مجرای غیر قانونی، بصورت عرفی توسط موسفیدان قریه حل و فصل گردد.»

اما فعالان حقوق بشر و جامعه مدنی ولایت میسردان وردک، ارگانهای عدلی و قضای این ولایت را متهم به بی‌توجهی در امور زنان نموده میگویند. دخیل نساختن زنان در سیستم عدلی و قضایی در این ولایت، سبب شده است که تعداد بسیار کمی از زنان جهت بدست آوردن حقوق شان به محاکم مراجعه کنند.

مصطفی وهریز یکی از فعالان مدنی این ولایت میگوید: «شمار زیادی از زنان میدان وردک دعاوی شان را از مجرای غیر قانونی حل و فصل می‌کنند». او می‌افزاید: «چطور امکان دارد که یک زن روستایی بی سواد که تازه از قریه و خانه اش بیرون برآمده باشد: در محکمه و سارنوالی در مقابل یک سارنوال و قاضی دفاع نماید؟!»

گل آرام را هفت سال دعوا، راه رفتن در رهروهای سارنوالی‌ها و محاکم میدان وردک حدود ۱۰٪ کارمندان مؤسسات غیر دولتی به عصاجوب بادامی اش تکیه زده میگوید» راه حل مشکلات زنان در محاکم حضور فزینکی و واقعی کارمندان زن در دستگاه عدلی و قضای این ولایت میباشد.»

این در حالیست که در ولایت میدان وردک کمتر از ۷٪ کارمندان ادارات دولتی و حدود ۱۰٪ کارمندان مؤسسات غیر دولتی را زنان تشکیل میدهند، ولی در ارگانهای عدلی و قضای این ولایت بشمول پولیس کشفی، ریاست حقوق، سارنوالی‌ها و محاکم فقط دوزن وجود دارد.

گل آرام میگوید: «حضور حدود هشت درصد زنان در بدنه دولت تنها در بخش تعلیم و تربیه و معارف است؛ ارگانهای عدلی و قضایی این ولایت کاملاً مردانه است. این بخش از بدنه دولت، در انحصار مردان قراردادی که قربانی آن زنان مدعی و یامدعی‌علیه میباشد.»

محکم مردانسه میدان وردک با دیدگاه‌های مرد سالارانه در این ولایت سبب شده که زنان کمتر به محاکم مراجعه کنند. مواردی وجود دارد که با دوسیه‌ی زنان در این ولایت عادلانه برخورد نشده است.

در محکمه با دوسیه‌ی آنان برخورد تبعیض آمیز صورت نگیرد.»

خانم امینی برخی دوسیه‌های دعاوی زنان را برشمرده ادامه میدهد: «اضافه برمحاکم مردانه، نبود وکیل مدافع زن در ولایت میدان وردک نیز سبب شده است که گاهی زنان مدعی ومدعی‌علیه، مواردی را به ضرر خودشان اقرار نموده و در پای آن شمت و امضاء نمایند.»

در همین حال اقبال دیدار، رئیس سارنوالی امرتعه ولایت وردک نیز می‌پذیرد که تا هنوز روند و سیستم عدلی و قضای در این ولایت یک سیستم مردانه بوده است. وی این موضوع را نیز قبول دارد که گاهی زنان بی سواد در سارنوالی‌ها و محاکم ناخودآگاه علیه خود اقرار و اعتراف می‌نمایند.

وچیده شنگی رییس امور زنان ولایت می‌پذیرد که تا هنوز روند و سیستم عدلی و قضای در این ولایت یک سیستم مردانه بوده است. وی این موضوع را نیز قبول دارد که گاهی زنان بی سواد در سارنوالی‌ها و محاکم ناخودآگاه علیه خود اقرار و اعتراف می‌نمایند.

وچیده شنگی رییس امور زنان ولایت می‌پذیرد که تا هنوز روند و سیستم عدلی و قضای در این ولایت یک سیستم مردانه بوده است. وی این موضوع را نیز قبول دارد که گاهی زنان بی سواد در سارنوالی‌ها و محاکم ناخودآگاه علیه خود اقرار و اعتراف می‌نمایند.

مدافع زن هم پیدا نمی‌شود که زنان را در پیشبرد دعاوی شان راهنمایی و کمک نماید.»

این درحالیست که گل آرام، این زن بی سواد روستایی، هفت سال است که به خاطر اعاده حش در مقابل میز قوماندان، محریر، سارنوال و قاضی که بیشتر آنان مردمان شهری و رندکار اند، ایستاده شده، خود را خم و راست نموده، خود دعوائش را پیش میرود.

اومیگوید: «اگر اینجا یک زن می بود که مرا در دعوایم مشوره میداد یا ازطرف من وکیل دعوا می شد اینقدر سرگردان نمیشدم و ضرورهم نبود که خودم را در این سن و سال پیرو که وقت بازنشستگی ام است آمده دعوا میکردم.»

فایزه امینی که به درد دل گل آرام گوش میداد به برخی از رسم ورواج های ناپسند در جامعه اشاره نموده میگوید: «عرف و سنت های دست و پاگیر نیز سبب شده که زنان نتوانند اعاده حقوق نمایند، در بیشتر ولسوالی‌های ولایت میدان وردک، تاهنوز هم زنان بعنوان انسان درجه دو و یا جزء ملکیت‌های مردان محسوب میشوند.»

خانم امینی علاوه میکند: «زمانی که طرف دعوی یک زن بیسواد دهاتی که او از اصول محاکمات چیزی نمیداند؛ یک مرد متمول و خوش روزگار باشد، امکان ندارد

به آن دست کرده میگوید» گاهی قضات و سارنوالان ولایت میدان وردک با زنانی که جهت اعاده حقوق شان به محاکم و سارنوالی مراجعه کرده اند برخورد تبعیض آمیز و دوگانه داشته اند.»

او به لوحه‌ی سر درب محکمه نگاه کرده باصدای لرزان میگوید: «اگر اینجا یک قاضی زن می بود؛ اینقدر به دهلیزها و رهروهایش اذیت و تحقیر نمی شدم.» پس از یک مکث کوتاه ادامه میدهد: «احساس زنانه‌ی او حتما مرا کمک میکرد که دعوایم زودتر حل می شد، روزها را در پیش محکمه و شسب‌ها را در هتل و مسافرخانه‌های این شهر سپری نمیکردم.»

فایزه امینی یکی از فعالان مدنی ولایت میدان وردک به این باوراست که: «زنان هرگز نمیتوانند در محاکم و دادستانی‌ها حرف دل شان را بامردان درمیان بگذارند، همینکه گپ گفته نشد حقیقت پنهان میماند و در نتیجه حقوق آنان نیز تلف شده پایمال می‌گردد.»

او به قد نیمه خمیده و صورت آفتاب سوخته و دستان تکریده گل آرام نگاه نموده علاوه میکند: «تنها محاکم و سارنوالی‌های ولایت میدان وردک نیستند که زنان در آن حضور ندارند، بلکه در سراسر این ولایت حتا یک وکیل

گل آرام مثل هفت سال پیش با دوسیه‌ی کهنه و رنگ و رو رفته که داخلش پر از کاغذهای فرسوده و کهنه تراست، به عصاجوب بادامی اش تکیه زده، تک و تنها در جای همیشگی اش ایستاده است. او حدود پنجاه و هفت سال عمر دارد، اما ایام بازنشستگی واستراحتش را در خم و پیچ دهلیزهای سارنوالی و پشت دروازه های محاکم میگذراند و پیش میز سارنوالان وقضات حاضری میدهد.

گل آرام ازاینکه یک زن روستایی و بیسواد است بسیار دلگیر و خسته به نظر میرسد، چون او نمی تواند حرفهای دلش را به زبان کودکي و با اصطلاحات محلی و ساده به قاضی‌ها و داد ستان‌ها که همه مردان شهری اند؛ بیان نماید.

زبانش نیز کمی گیر دارد، سوی لوحه‌ی بالای دروازه محکمه نگاه نموده غمگینانه میگوید: «کاش من یک مرد می بودم و یا در این ادارات، در جمع این همه قاضی‌ها و سارنوالان یک زنی می بود که با اوگپای دلم را میگفتم، یا بد بختی‌ها و سرگردانی‌ها را میگویم، شاید به گیایم گوش میداد، مشکل مرا حل میکرد و از این چنجال خلاص میشدم.»

گل آرام، باشنده یکی از ولسوالی‌های دور دست ولایت میدان وردک می‌باشد، او دعوائی زمین دارد که یک دعوی حقوق است. گل اندام درحالی از بی کارمند سارنوالی آن ولایت زن اند.

اما محکمه و ارگان قضایی این ولایت کاملاً مردانه میباشد: تنها در ریاست سارنوالی منع خشونت دو زن بعنوان سارنوال ومامور اداری کار میکند که بیشتر نقش آنان سمبولیک میباشد.

عدم حضور زنان در نهادهای عدلی و قضایی این ولایت سبب شده است که بسیاری از زنان مدعی ومدعی‌علیه در محاکم تحت تأثیر مردان قرار گزند، آنان نتوانند از حقوق شان دفاع نمایند. وحیده شنگی رییس امور زنان میدان وردک میگوید: «به همین دلیل زنان در این ولایت به ندرت به محاکم مراجعه میکنند.»

گل آرام آف کشیده دوسیه را زیر بغلش جا بجانموده عصاجوبش را از این دست

سرمقاله ضرورت فراهم سازی زمینه سرمایه گذاری و حمایت از تولیدات داخلی

حفیظ الله زکی

افغانستان یک کشور پسا منازعه و حتا درحال منازعه به حساب می آید. از اینرو زیر ساخت های اقتصادی در طی سه دهه جنگ تخریب گردیده و امکان بازسازی آنها به دلیل نا امنی و نبود بودجه کافی به بین بست مواجه گردیده است. اکنون اقتصاد افغانستان بر واردات کالا از کشورهای خارجی متکی است. بیلانس تجارت در این کشور نا متعادل بوده و حجم واردات و صادرات نسبت به صادرات کالا تا چندین برابر افزایش داشته است.

از لحاظ سیاسی و امنیتی نیز این کشور با آسیب های جدی مواجه می باشد. افغانستان همواره قربانی جنگ های نیابتی بوده و دخالت های نا مشروع برخی کشورهای خارجی بر ثبات و امنیت این کشور تأثیر منفی بجا گذاشته است. برخی کشورهای ذینفع در مسایل افغانستان گاه از نیازمندی های اقتصادی و تجاری کشور به عنوان ابزار فشار بر حکومت افغانستان استفاده کرده و مشکلات و خسارات های زیادی را بر تجار و مردم افغانستان تحمیل کرده اند.

استقلال سیاسی زمانی به وجود می آید که یک کشور به لحاظ اقتصادی نیز مستقل و خود کفا باشد. وابستگی اقتصادی بدون شک استقلالیت سیاسی را نیز زیر سؤال می برد. اکنون افغانستان در راستای خودکفایی درحرت است. تا سال ۲۰۲۰ باید این کشور بتواند بودجه عادی و انکشافی خود را از عواید داخلی تأمین کند، اما با توجه به چالش های بزرگی که حکومت به آنها مواجه می باشد، رسیدن به خود انکتابی کاری ساده ای به نظر نمی رسد. اختلافات درونی، فساد، فوآئینی که پاسخگوی اقتضات و نیازمندی های امروزی نیست، نبود ظرفیت کاری، کاهش انگیزه تولید و سرمایه گذاری در کشور، از جمله مشکلاتی است که پیش روی توسعه اقتصادی کشور را سد کرده است.

در همین راستا رئیس جمهور در دیدار با صنعتکاران کشور ضمن ستایش از تلاش ها و فعالیت های آنها بر ضرورت و اهمیت افزایش تولیدات داخلی تأکید کرد. رییس جمهور گفت اگر صنعتکاران افغان تولیدات خویش را معیاری سازند، دولت مواد مورد ضرورت وزارت های دفاع ملی، داخله، تحصیلات عالی و معارف را از آنها خریداری می کند.

بسته شدن یکجانبه مرزها که سبب خسارات مالی تجار و گرانی و کمیابی کالاها در بازارهای داخلی می گردد، اهمیت توجه به راهکارها و رویکردهای عمیق اقتصادی را بر ملا می سزاند. راهکارهایی که از یک طرف به افزایش تولیدات داخلی کمک کند و از سوی دیگر فشارهای سیاسی و اقتصادی برخی کشورها را بر حکومت و مردم افغانستان کاهش دهد.

بنابراین حمایت از تولیدات داخلی می تواند بسیاری از مشکلات اقتصادی را در دراز مدت حل کند و بازار تولیدات ملی را رونق بخشد. تشویق مؤسسات خارجی و داخلی و الزام سازمان ها و نهادهای دولتی به استفاده از تولیدات داخلی گام مهم در راستای شکوفایی اقتصادی و رسیدن به خود انکتابی به شمار می آید.

ولی باید توجه داشت که در روند حمایت از سرمایه گذاری و تولیدات داخلی تنها خرید تولیدات ملی کافی نیست؛ بلکه در کنار آن بایستی در مرحله اول چالش ها و مشکلات سرمایه گذاران و صنعتکاران مورد شناسایی قرار گرفته و برای رفع مشکلات موجود سیاست ها و برنامه های مؤثر و ارزشمندی روی دست گرفته شود. در مرحله بعد فضای کسب و کار و سرمایه گذاری بهبود یابد و تسهیلات بانکی در اختیار صنعتکاران قرار بگیرد، دیوانسالاری پیچیده و وقت گیر از میان برداشته شود، قوانین مربوط به سرمایه گذاری و بخصوص قانون مالیاتی اصلاح شود، تغییرات اساسی در مدیریت های کلان اقتصادی به وجود بیاید، شهرک های صنعتی ایجاد و برق مورد نیاز کارخانه داران به شکل مطلوب تأمین گردد. اینها بخشی از مواردی اند که توجه به آنها به جریان تولید و سرمایه گذاری در کشور کمک می کنند. اما آنچه برای کاهش مشکلات بالفعل اقتصادی و تجاری افغانستان ضروری می باشد، گسترش همکاری های منطقه ای اقتصادی و باز کردن شاهراه های متعدد تجاری و ترانزیتی است. این مهم حد اقل در زمانی که یکی از مرزها و راهها بسته می شود، زبان های ناشی از بسته ماندن مرز را برای تجار و مردم افغانستان به حد اقل تنزل می دهد.

نقش آموزش در توسعه پایدار

علی احمد انتظار



گردید. هرچند بعد تقدها و نظریات مخالف فراوانی با آن چه به صورت مطلق تحصل گرایان تأکید می کردند، به وجود آمد، اما این ایده و تلاش های مشابه مرزی گسست ناپذیر میان دانشگاه، خیابان و خانه پدید آورد.

خلاصه این که در دوران ما، آموزش و پرورش به عنوان مؤثرترین ابزار جوامع برای ورود به چالشهای آینده مورد توافق قرار گرفته است و اصولاً پذیرفته شده است که در پرتو آموزش و پرورش امروز دنیای فردا شکل خواهد گرفت. دانشگاه مهمترین عامل مؤثر در دگرگونی طرز نگرش و رفتار بشری است که در مسیر رشد اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی، ایجاد دانش و مهارت، تأمین فرصتهای شغلی و افزایش تولید جامعه به کار گرفته می شود. از این رو در جوامع منزلتی ویژه یافته است. آموزش و پرورش پایدار به مفهوم وسیع خود در دهه های آینده این توانمندی را خواهد داشت، تا مثابه ابزاری قابل اعتماد پل مستحکمی بین کلاس درس و اجتماع و بین کلاس درس و بازار بنا کند. اهمیت آموزش و پرورش پایدار نه تنها در عرصه مطالعات که در عمل و نیز در عرصه نهادهای بین المللی مورد توافق جمعی قرار گرفته است. در خور توجه آنکه آموزش و پرورش نباید نمی تواند صرفاً در تحصیلات رسمی خلاصه شود، بلکه هر نوع آموزش حتی اشکال سنتی یادگیری در منزل و اجتماع را نیز شامل می شود.

بدون تردید چالش های عمده جوامع امروزین را باید در چالش علمی و اندیشه ای جستجو کرد. عمده ترین ضعف افغانستان به عنوان یک کشور عقب مانده را نیز قبل از هر حدیثی باید در معناداری نظام جاهلیت و ناپهه مندی از نهادهای علمی ماندگار و تعیین کننده دانست. مادامی که نهادهای آموزشی و دانشگاهی توان لازم برای کاوش به چالش های عینی و فعلی را نداشته باشند، و مادامی که این نهادها بر اساس نیازهای زمان و تأمین نیازات روزمره تنظیم نگردد، دانش انتزاعی و بسی بهره که در واقع امر مجموعه ای از حفظیات است در یک سو و ناگواری ها و گرفتاری های اجتماعی از غیبت دانش در سوی دیگر ادامه خواهد یافت. از این رو توجه به دانش برای ره آوری توسعه پایدار و توجه به نهادهای غنی آموزشی امری است مهم و غیر قابل اجتناب.

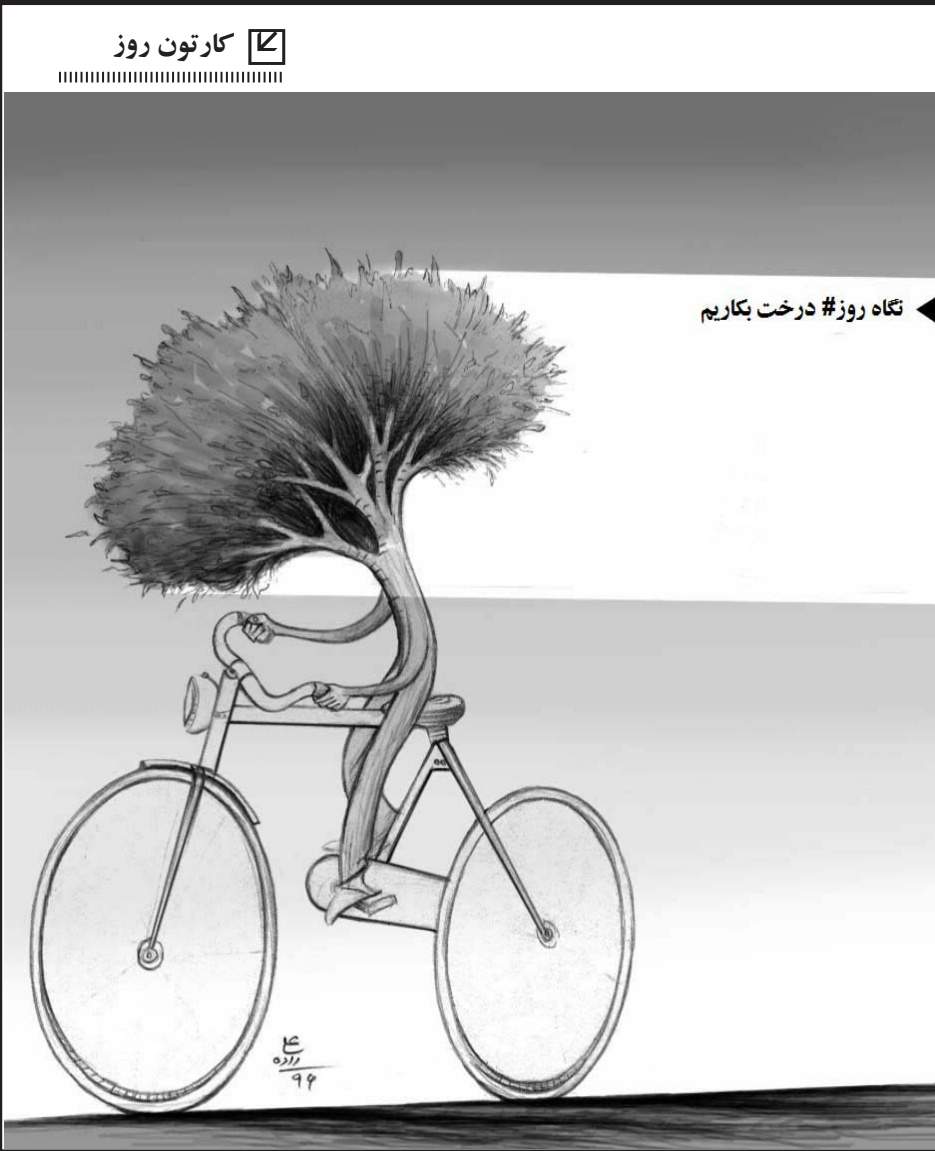
طبقات محروم، از چنین مزایایی بی نقش نبودند. اصولاً نگاه آدم ها به زندگی و موقعیت ها ناشی از طبقه ای بودن آن بود. نگاه زر و مس و آهن بودن، نگرش غالب و پذیرفته شده ای بود. برای همین هیاهوی هوس همگانی شدن دانش رویایی گسترده و فراگیر نبود.

از سوی دیگر، در چوگان زمانی دانش حوزه انتزاعی و غیر کاربردی بود. نه کسی از دانش توقع رفیحات های عملی و کارگشایی های عینی را داشت، نه دانشمندان چنین هدفی را از فراگیری دانش در نظر داشتند. اندیشمندان بیشتر رویای تحقق اهداف انتزاعی و مجرد را که همانا بحث های فلسفی و نگرش های پیچیده و غیر قابل اثبات بود، در سر می پروارندند. همین بود که به رغم توانایی های علمی و برخورداری از منطق زبانی قوی و نیرومند گامی برای کاهش رنج های انسانی برداشته نشد. بر عکس امروزه دانش حوزه عملی و عینی است. دانش بیشتر رسالت رفاه همگانی و رفع نیازهای عملی انسان را بر دوش می کشد. تیوری ها و بحث های فلسفی اگر ارزشی دارند بیشتر از آن جهت است که در خدمت نیازهای مادی و ابزاری برای تأمین الزامات زبانی است.

بودند از چنین امتیازی برخوردار باشند. صاحبان قدرت و اشراف نیز در محروم کردن دیگران از بهره گیری و امتیاززادگی پدیدار می شود، توسعه پایدار نیز وامدار گسترش یافتگی رشد فرهنگ سیاسی و توجه کافی به بعد امنیتی در یک کشور است. از این رو عامل سیاست در فرایند توسعه پایدار و تداوم رشد چند بعدی امری تعیین کننده و مهم ترین است. حال که مفهوم توسعه پایدار تاحدی شکافته شد؛ نقش عامل دانش و آموزش در پدیداری این پدیده بررسی می شود. در مورد اهمیت آموزش و تربیت هیچ تردیدی وجود ندارد و مفهوم آموزش به مهم ترین و مبنایی ترین مشخصه جهان امروز تبدیل شده است. امروزه معیار اصلی منزلت کشورها و اقتدار آنان در عرصه نظام بین الملل میزان بهره مندی از دانش و آموزش است. سایر مؤلفه های توسعه پایدار نظیر صنعت، تکنولوژی و دولت وابسته به توانمندی و ظرفیت علمی کشور است. به هر اندازه کشوری در بعد دانش و اندیشه ای قوی و نیرومند باشد، در سایر بخش ها نیز از قدرت و توانایی بیشتری برخوردار خواهد بود. در گذشته ها دانش امری اختصاصی و ویژه اشراف و خانواده های متعلق به طبقات بالای اجتماعی بود. همگان نه توان آموزش دیدن را داشتند و نه مایل بودند از چنین امتیازی برخوردار باشند. صاحبان قدرت و اشراف نیز در محروم کردن دیگران از بهره گیری و امتیاززادگی

در حالی که رشد بیشتر گویا و متضمن پیشرفت تنها در یک حوزه است. به طور مثال وقتی سخن از رشد اقتصادی در میان باشد، منظور آن است که تنها پیشرفت هایی در بعد اقتصادی صورت گرفته است، همین طور رشد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اما توسعه همانسان که تذکر داده شد، به رشد چند بعدی و هماهنگ در چندین حوزه به ویژه در بخش های اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع اطلاق می شود. به بیان دیگر وقتی به صورت هماهنگ میان بخش های سیاست، فرهنگ، اجتماع و اقتصاد نوعی توازن به سمت پیشرفت وجود داشته باشد، توسعه نامیده می شود. با این وصف توسعه پایدار به معنی تداوم نوعی روند متوازن است که در اثر برنامه های استراتژیک و مدیریت بلند مدت تحقق می یابد. از این رو ممکن است کشوری در مقطعی شاهد توسعه یافتگی باشد، اما به دلیل یسا دلایلی در مدت زمان کوتاهی دوباره با رکود مواجه شود. با وجودی که این حرکت رو به پیش و در چند بعد بوده است، اما چون پس از اندک زمانی عقب گرد داشته است، نمی توان عنوان توسعه پایدار را بر آن نهاد. آنچه در راستای حفظ و تداوم توسعه پایدار قابل تأمل است، نقش توسعه سیاسی در میان شاخص های توسعه پایدار است. اگر توسعه بدون صفت پایدار به

به رغم این که مفاهیمی مانند رشد، توسعه و پیشرفت باهم همسانی ها و هم پوشی هایی دارند، اگر با دقت نظر و به صورت علمی و اکادمیک نگر بسته شوند، تفاوت های عمیقی در مصادیق هر کدام با دیگری وجود دارد. حتی به گونه ای که در این نوشته به تذکر خواهد رفت، میان مفهوم توسعه و توسعه پایدار نیز تمایزاتی وجود دارد. در این نوشته تمرکز اصلی بر آن است تا ضمن توضیح مفهوم توسعه پایدار؛ نقش آموزش و دانشگاه را در این راستا بررسی نماید. بزرگترین تفاوت میان رشد و توسعه آن است که توسعه امری است چند بعدی



- بنیان گذار: داکتر حسین یاسا
- مدیر مسول: محمد رضا هویدا
- سردبیر: حفیظ الله زکی
- کاریکاتورست: خالق علی زاده

□ دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
□ مسول وبسایت: غلام عباس اصلان

□ آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان

دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.

مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و

تنها سرمقاله بیانگر

دیدگاه روزنامه افغانستان می باشد.

www.dailyafghanistan.com

Email: thedailyafghanistan@yahoo.com